



ارائه و تبیین مدل انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی

مهدی محمدظاهری^(۱) سید محمدرضا داودی^{(۲)*} محمدرضا دلوی^(۳)

(۱) گروه مدیریت تکنولوژی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

(۲) گروه مدیریت تکنولوژی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران*

(۳) گروه مدیریت تکنولوژی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹

چکیده

یکی از پیشران‌های اقتصادی که در چندساله اخیر به صورت تصاعدی در زندگی انسان معاصر نمود پیدا کرده است اقتصاد اشتراکی است. از بین رفتن تعریف مرزهای کالا و خدمات، کاربر، همکار، مشتری، کافرما، ساختار سازمانی، قراردادهای هوشمند و ... باعث شده‌اند تا مفاهیمی چون انتقال تکنولوژی با چالش‌های بنیادینی روبرو گردد. هدف این مقاله ارائه و تبیین مدل انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی است. این پژوهش با رویکرد کیفی استقرایی و به روش نظریه زمینه‌ای اشتراوس کوربین انجام شد. ابزار پژوهش (گردآوری داده‌ها) مصاحبه نیمه ساختارمند بود. با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با ۲۱ نفر از مدیران و خبرگان حوزه‌های انتقال تکنولوژی و اقتصاد اشتراکی طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شد. ۲۲ مقوله کلی در قالب مدل پارادایمی که این عوامل دربرگیرنده شرایط علی (به امکان‌پذیری، اثر اشتراک، دایره نیازها، دایره اثرگذاری، تطابق)، شرایط زمین‌های (نیازهای اقتصادی، ویژگی‌های تکنولوژی‌ها و زیرساخت‌های ساختاری)، شرایط مداخله‌گر (زیرساخت‌های نرم افزاری، بسترهای انسانی، نیازهای بازیگران انتقال تکنولوژی، زیرساخت‌های کیفی)، راهبردها (تحلیل ارتباطی، کارکردی، زیرساختی، اجتماعی) و پیامدها (زیرساختهای مشارکتی مدل‌های انتقال تکنولوژی، شبکه و انتقال تکنولوژی، سبک‌های کسب و کار و زندگی در انتقال تکنولوژی، زیست محیطی) با پدیده اصلی انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی (اقتصاد اشتراکی، مدل‌های انتقال تکنولوژی) است. نتیجه مطالعه مفاهیمی را معرفی کرده است که می‌تواند در بستر ویژگی‌های اقتصاد اشتراکی مدل‌هایی را برای انتقال تکنولوژی در این بستر نشان دهد. کلمات کلیدی: اقتصاد اشتراکی، انتقال تکنولوژی، بلاکچین، برونسپاری، منبع باز

*عهده‌دار مکاتبات:

سید محمدرضا داودی

نشانی: گروه مدیریت تکنولوژی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

پست الکترونیکی: smrdavoodi@ut.ac.ir

محدودیت منابع طبیعی و رشد مستمر مصرف جهانی، بازنگری در مدل‌های سنتی کسب و کار را به یک ضرورت جهانی تبدیل نموده است. یکی از راهکارهای جایگزین برای مدیریت این روند مصرف، مدل مصرف مشترک است. این مدل، موجب ظهور مدل‌های نوین کسب و کار یعنی کسب و کارها یا پلتفرم‌های مبتنی بر مدل اقتصاد اشتراکی گردیده است. اگرچه پیشینه اشتراک‌گذاری، به قدمت نوع بشر بازمی‌گردد اما متأثر از اینترنت و فناوری همراه، اقتصاد اشتراکی پدیده‌های نوظهور قرن بیست و یکم است. اقتصاد اشتراکی امکان ارائه خدمات همتابه همتا (P2P) بین افراد را توسط فناوری فراهم کرده است. اشتراک‌گذاری به وسیله ایجاد ارزش در دارایی‌های کم مصرف، امکان دسترسی به انبوه کاربران را فراهم نموده و نیاز به مالکیت را نیز کاهش می‌دهد. این ویژگی‌ها موجب توسعه گسترده کسب و کارهای اشتراکی شده است. اقتصاد اشتراکی طی سال‌های گذشته هم در مقیاس و هم در دامنه رشد کرده است در بخش‌های مختلف، بسترهای اینترنتی تسهیل‌کننده‌ای بوجود آمده‌اند که افراد را قادر می‌سازند دارایی‌های استفاده نشده خود را به اشتراک بگذارند. در حالی که برخی از این مدل‌های اشتراکی ممکن است ناشی از نیاز به صرفه جویی پس از رکود اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸ باشد، اما موفقیت آنها توسط آگاهی محیطی همراه با همه گیر بودن اینترنت و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی که امکان اشتراک‌گذاری را فراهم می‌کند، افزایش یافته است. از طرفی انتقال تکنولوژی و بازیگران آن شامل دهندگان تکنولوژی، گیرندگان، مدل‌های انتقال و روش‌های انتقال تکنولوژی با تغییر ماهیت کسب و کارها دچار تغییرات بنیادین شده است [۱].

اقتصاد اشتراکی از زمانی که اولین پلتفرم‌ها در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ ظاهر شدند، در ۱۰ سال گذشته به یک واژه شایع تبدیل شده است پیش‌بینی شده است که نرخ رشد مرکب سالانه اقتصاد اشتراکی در بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۵ به میزان ۳۳ درصد رشد کند. اقتصاد اشتراکی یک مفهوم مناقشه برانگیز است تا حدی که از مفاهیم مختلفی برای اشاره به آن استفاده میشود از جمله مصرف مشارکتی، "اقتصاد پلتفرمی"، "اقتصاد مشارکتی"، "اقتصاد بر اساس تقاضا"، "اقتصاد همتا به همتا اقتصاد گیگ"، "اقتصاد همتا"، "اقتصاد اقتصاد جمعی. همه این اصطلاحات با هم همپوشانی دارند، عمدتاً به این دلیل که نوعی تعامل مبتنی بر پلتفرم را ارائه می‌دهند اما هر یک مفهوم مهمی را به همراه دارد. سردرگمی بین این اصطلاحات اغلب بحث در مورد آینده اقتصاد اشتراکی و برآورد اندازه و اهمیت آن را مختل می‌کند [۲]. اصطلاح "اقتصاد اشتراکی" به عنوان یک فرهنگ جدید در حال ظهور در نظر گرفته شده است که به موجب آن افراد می‌توانند وسایل خود را از طریق پلتفرم‌های آنلاین با دیگران به اشتراک بگذارند [۳]. بسیاری از مدل‌های نظری اقتصاد اشتراکی نشان داده‌اند که مکانیسم اشتراک‌گذاری می‌تواند دسترسی به دارایی‌های بسیار ارزشمند را با

هزینه کمتر افزایش دهد، که کارایی اقتصادی و رفاه اجتماعی را افزایش می دهد [۴]. علاوه بر این تعیین استاندارد ارزش یک فرآیند، اجتماعی فرهنگی و سیاسی است که بین بازیگران نهادهای مختلف به منظور دستیابی به اجماع مورد مذاکره قرار می گیرد که به فرآیند شناختی تناسب معروف است [۵]. در راستای پژوهش های قبلی، اقتصاد اشتراکی مبتنی بر تعامل سه بازیگر اصلی است (۱) یک پلتفرم اینترنتی که معاملات تطبیق و تایید شده قابل اعتماد را بین کاربران امکان پذیر می کند (۲) ارائه دهنده خدمات همتا که دسترسی موقت یا مالکیت کامل به دارایی های بدون استفاده را ارائه می دهد و (۳) مشتری که به دنبال دسترسی یا مالکیت یک دارایی است و پرداخت پولی یا غیرپولی ارائه می دهد [۶]. پلتفرم های آنلاین همتا به همتا مدل های کسب و کار جدیدی ایجاد کرده اند و تغییراتی را در نحوه احساس و بیان تجربیات مشتریان ایجاد کرده اند [۷]. علاوه بر این رشد این مدل از کسب و کارها باعث می شود اقتصاد اشتراکی نقش کلیدی در مدیریت کارآمد منابع بهینه سازی بهره وری و بهره برداری از اقتصاد محلی داشته باشد [۲]. اقتصاد اشتراکی جایگزین های مقرون به صرفه و راحت تری برای صنایع فعال فراهم می کنند [۸].

انتقال فناوری (تکنولوژی) فرایند منتقل کردن تکنولوژی از یک فرد یا سازمان همراه با دانش و مهارت بکارگیری آن به فرد یا سازمان دیگر است. انتقال تکنولوژی فرایند پیچیده و دشواری است. خرید و انتقال تکنولوژی بدون مطالعه و بررسی لازم، نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه ممکن است علاوه بر هدر رفتن سرمایه و زمان، به تضعیف تکنولوژی ملی هم بیانجامد [۹].

مهم ترین بخش انتقال فناوری یا انتقال تکنولوژی، جذب و بومی سازی و نوآوری آن است که باید مورد تحلیل علمی و عمیق قرار گیرد سطح تکنولوژیک کشورهای پیشرفته و جهان سوم فاصله محسوسی دارد. برای کاستن این فاصله، انتقال تکنولوژی یک لازمه انکارناپذیر است. انتقال تکنولوژی با روش های مختلف امکان پذیر است، عوامل مهم تعیین کننده روش انتقال تکنولوژی به مقدار زیادی شامل ترکیبی از تمایل انتقال دهنده تکنولوژی جهت عرضه تکنولوژی و دانش فنی و همچنین توانایی دریافت کننده تکنولوژی جهت کسب و جذب تکنولوژی است. داشتن معیار و تعریفی که نشان دهنده انتقال اثربخش تکنولوژی باشد، بسیار مهم و حیاتی می باشد. چه بسا هم انتقال دهنده تکنولوژی و هم گیرنده تکنولوژی نیت و قصد انتقال تکنولوژی به بهترین شکل ممکن را داشته باشند، ولی در عمل ممکن است روش انتقال تکنولوژی طوری انجام شود که نتواند نتایج در نظر گرفته شده را برآورده سازد، در نتیجه در مرحله اکتساب تکنولوژی، دقت و کار کارشناسی در انتخاب بهترین روش انتقال تکنولوژی لازم و ضروری می باشد. موضوع دیگر انطباق و جذب تکنولوژی انتقال یافته است که باید آن تکنولوژی با شرایط و مشخصات محیطی گیرنده آن تطبیق داده شود و در نهایت مرحله نهایی که توسعه و انتشار تکنولوژی است، نیازمند عزم و همت جمعی و خودباوری ملی و

البته ایجاد زیرساخت‌های لازمه از طرف دولت می‌باشد. در دنیای امروز رابطه‌ای مستقیم بین توسعه تکنولوژی و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور برقرار است [۱۰].

خلا پژوهش در زمینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی به عدم وجود مدل‌های جامع برای انتقال تکنولوژی در این بستر برمی‌گردد. با وجود رشد سریع پلتفرم‌های دیجیتال و افزایش دسترسی به فناوری‌های نوین، هنوز مشخص نیست که کدام مدل‌های انتقال تکنولوژی به بهترین نحو با اصول و ویژگی‌های اقتصاد اشتراکی هماهنگ هستند. همچنین، فقدان یک مدل خاص و استاندارد برای انتقال تکنولوژی در این زمینه، چالش‌هایی را برای کارآفرینان و ذینفعان ایجاد کرده است که مانع از بهره‌برداری کامل از فرصت‌های موجود می‌شود. این خلا پژوهش نیازمند بررسی دقیق و طراحی مدلی است که بتواند به طور مؤثر و کارآمد، فرآیند انتقال تکنولوژی را در بستر اقتصاد اشتراکی تسهیل کند و به افزایش نوآوری و توسعه محصولات و خدمات جدید کمک نمایند.

بنابراین، مشارکت اصلی این پژوهش را می‌توان در دو نکته زیر خلاصه کرد:

۱- اقتصاد اشتراکی با چه مدل‌های انتقال تکنولوژی هماهنگ‌تر است.

۲- آیا مدل خاصی برای انتقال تکنولوژی در اقتصاد اشتراکی تعریف می‌شود.

ادامه مقاله بصورتی که مشخص می‌شود ارائه شده است. در بخش بعدی به پیشینه تحقیق پرداخته شد سپس، روش تحقیق و مراحل اجرایی تحقیق بیان خواهد شد. بعد از آن یافته‌های تحقیق ارائه خواهد شد. سرانجام، یک نتیجه‌گیری کلی به همراه پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه شد.

۲- مروری بر ادبیات تحقیق

اقتصاد اشتراکی و مدل‌های انتقال تکنولوژی به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرات شامل جنبه‌های مختلفی هستند. اولاً، اقتصاد اشتراکی به عنوان یک مدل جدید کسب و کار، فرصت‌هایی برای انتقال تکنولوژی ایجاد می‌کند. پلتفرم‌های دیجیتال در اقتصاد اشتراکی امکان دسترسی به فناوری‌های نوین را برای کارآفرینان و کاربران فراهم می‌آورند. این امر به تسهیل تبادل دانش و مهارت‌ها کمک می‌کند و به کارآفرینان این فرصت را می‌دهد که از فناوری‌های مدرن بهره‌برداری کنند. ثانیاً، انتقال تکنولوژی می‌تواند به بهبود و توسعه مدل‌های کسب و کار در اقتصاد اشتراکی منجر شود. با استفاده از تکنولوژی‌های جدید، شرکت‌ها می‌توانند کارایی خود را افزایش دهند و تجربه بهتری برای کاربران فراهم کنند. به‌عنوان مثال، استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته برای بهینه‌سازی فرآیندهای جابجایی یا استفاده از داده‌های کلان برای تحلیل رفتار مصرف‌کنندگان در پلتفرم‌های مختلف. ثالثاً، تأثیرات اجتماعی و اقتصادی ناشی از اقتصاد

اشتراکی می‌تواند نیاز به تغییرات در مدل‌های انتقال تکنولوژی را ایجاد کند. به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به حقوق کارگران، رقابت عادلانه و حفاظت از مصرف‌کننده، نیاز به چارچوب‌های جدید و به‌روز در انتقال تکنولوژی حس می‌شود. در نهایت، این دو حوزه به‌صورت پویا و در حال تکامل هستند و باید به‌طور مداوم مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان به بهینه‌سازی فرآیندها و بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و چالش‌های موجود پرداخت [۱۱].

در زیر به برخی از پیشینه‌های مرتبط با موضوع انتقال تکنولوژی و اقتصاد اشتراکی پرداخته شده است: [۱۲] در مقاله خود بیان کردند که ظهور اقتصاد اشتراکی به طور اساسی ساختارهای سنتی شرکت‌ها را دگرگون کرده و فرصت‌های جدیدی برای کارآفرینان ایجاد کرده است و در عین حال کنوانسیون‌های موجود در صنایع مختلف را به چالش می‌کشد. این مطالعه به بررسی جامع کارآفرینی در چارچوب اقتصاد اشتراکی می‌پردازد و مدل‌های مختلف کسب‌وکار و پیامدهای اجتماعی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. اقتصاد اشتراکی که شامل معاملات هم‌تا به هم‌تا است که توسط پلتفرم‌های اینترنتی تسهیل می‌شود، شاهد ظهور کسب‌وکارهای جدید کارآفرینی بوده است. این مقاله به بررسی تنوع و پیچیدگی مدل‌های کسب‌وکار در اقتصاد اشتراکی می‌پردازد و شامل پلتفرم‌های مختلفی مانند خدمات حمل و نقل، اشتراک‌گذاری محل اقامت، اشتراک‌گذاری دارایی و اشتراک‌گذاری مهارت‌ها می‌شود. یک بررسی دقیق از هر مدل به منظور کاوش مفاهیم بنیادی، فرآیندهای عملیاتی و جنبه‌های کلیدی که به موفقیت کارآفرینی در این محیط در حال تغییر سریع کمک می‌کند، انجام می‌شود. این مطالعه تأثیر مدل‌های مختلف کسب‌وکار بر رفتار مصرف‌کننده، دینامیک‌های بازار و توسعه‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. این ارزیابی به نتایج مثبت و منفی توجه داشته و عواملی مانند افزایش کارایی در استفاده از منابع، توانمندسازی اقتصادی افراد و چالش‌های احتمالی مرتبط با مسائل نظارتی، حقوق کار و رقابت در بازار را در نظر می‌گیرد. این مقاله بر نقش اساسی فناوری و پلتفرم‌های دیجیتال در ترویج کارآفرینی در اقتصاد اشتراکی تأکید می‌کند. از طریق تجزیه و تحلیل تأثیر دیجیتالی شدن بر دسترسی به بازار، سازوکارهای اعتماد و مقیاس‌پذیری، نقش فناوری به عنوان محرکی برای نوآوری و گسترش کارآفرینی مورد تأکید قرار می‌گیرد. علاوه بر این، تأثیر چارچوب‌های قانونی بر فعالیت‌های کارآفرینی و بررسی تعادل دشوار بین تحریک نوآوری و حفظ حقوق مصرف‌کننده، رقابت عادلانه و برابری اجتماعی نیز تحلیل می‌شود.

[۱۳] در مقاله خود بیان کردند که این مطالعه به بررسی انتقال فناوری با توجه به انتظارات عمومی و راهنمایی‌های کارشناسان به منظور دستیابی به مدل اقتصادی دایره‌ای تحت دیدگاه مبتنی بر منابع می‌پردازد. اهداف این مطالعه عبارتند از: (۱) ساخت مدلی برای به‌کارگیری انتقال فناوری به منظور دستیابی به اصول اقتصاد دایره‌ای با توجه به انتظارات عمومی و راهنمایی‌های کارشناسان، (۲) ایجاد یک ساختار نظری معتبر با استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان و (۳) ارائه معیارهای عملی برای بهبود تحت محدودیت‌های منابع. شرکت‌های فناوری پیشرفته به دنبال به‌کارگیری انتقال فناوری

به منظور دستیابی به اصول اقتصاد دایره‌ای تحت محدودیت‌های منابع و برآورده‌سازی انتظارات عمومی هستند. با این حال، همیشه بین انتظارات و راهنمایی‌های کارشناسان اختلاف وجود دارد. تحلیل عاملی اکتشافی برای تأیید قابلیت اطمینان و اعتبار ویژگی‌ها استفاده می‌شود. ترجیحات زبانی به مقادیر دقیق با استفاده از روش ترکیب فازی تبدیل می‌شوند. در نهایت، آزمایشگاه تصمیم‌گیری و ارزیابی برای درک شکاف‌های بین انتظارات عمومی و راهنمایی‌های کارشناسان در پذیرش انتقال فناوری به منظور دستیابی به مدل اقتصادی دایره‌ای تحت محدودیت‌های منابع به کار گرفته می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که همکاری در فناوری مطابق با استراتژی دایره‌ای، توسعه مهارت‌های نیروی کار دیجیتال، اشتراک‌گذاری فناوری به منظور دستیابی به منافع مشترک دایره‌ای، و مشارکت ذینفعان برای انتقال فناوری از جنبه‌های مهم هستند.

[۱۴] در پژوهش خود بیان کردند که ظهور یک انقلاب اشتراکی منجر به شکل‌گیری یک سیستم اجتماعی جدید از همکاری است که با فناوری‌های دیجیتال امکان‌پذیر شده است. اگرچه ابتکارات مبتنی بر اشتراک در حال تغییر شیوه‌های سازمانی مستقر و نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار سنتی هستند، تحقیقات موجود در درک جنبه‌های متعدد این پدیده ناتوان است. این مطالعه به دنبال درک اقتصاد اشتراکی است و به چگونگی گنجاندن روند اجتماعی اشتراک توسط استارت‌آپ‌ها و استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای توسعه مدل‌های کسب‌وکار نوآورانه می‌پردازد. این تحقیق سعی دارد عدم تطابق نظری-عملی موجود را با ارائه یک چارچوب، تعریف و طبقه‌بندی اصلی از استارت‌آپ‌های اقتصاد اشتراکی حل کند. این مطالعه یک تحلیل خوشه‌ای بر روی ۱۹۶ استارت‌آپ SE را ارائه می‌دهد. استدلال می‌کند که استارت‌آپ‌های اقتصاد اشتراکی به پنج خوشه تقسیم می‌شوند: ۱- اشتراک کاذب؛ ۲- اقتصاد گیگ؛ ۳- اقتصاد مبتنی بر جمع؛ ۴- اقتصاد اشتراکی؛ و ۵- اجاره P2P.

[۱۵] در پژوهش خود بیان کردند که توسعه همه ابعاد دیجیتالی‌سازی، به‌ویژه نفوذ جهانی اینترنت در بیشتر حوزه‌های تجاری، شرایط بهتری را برای اشتراک‌گذاری فناوری ایجاد می‌کند. شرکت‌های نوپا و اسپین آف با حمایت مراکز دانشگاهی مستقیماً از انتقال آخرین فناوری به عمل حمایت می‌کنند. با استفاده از مدل مدیریت اقتصادی، اثربخشی چنین اقتصادهایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش‌ها و توصیه‌هایی که باید موانع را بر سر راه شرکت‌های فرعی موفق و استارت‌آپ‌ها و همچنین شرکت‌های کوچک و متوسط و مدیران اسلواکی و ۲۶ مدیر شرکت‌های فناوری اطلاعات، این فرصت را ایجاد می‌کند که تا چه حد شرکت‌ها می‌خواهند فرصت‌های نوآوری و پتانسیل فناوری اطلاعات را در عمل به‌عنوان محرک تغییرات به کار ببرند. این نتایج با نتایج تحقیقات مشابه در اتحادیه اروپا مقایسه خواهد شد. بررسی وابستگی‌های متقابل شاخص‌های انتخاب شده با استفاده از روش‌های آماری و ابزارهای اعتبارسنجی که

بخشی از برنامه SPSS هستند ارائه خواهد شد. بر اساس ترکیب تمامی دانش و تجربیات، راه‌های اعمال هرچه مؤثرتر انتقال فناوری و رفتار نظارتی اقتصاد اشتراک‌گذاری در عمل به مدیران پیشنهاد خواهد شد.

[۱۶] در پژوهش خود بیان کردند که اقتصاد اشتراکی شکل جدیدی از کسب و کارها هستند که در آن افراد از طریق آن دارایی‌های خود را به اشتراک می‌گذارند. به عبارت دیگر اقتصاد اشتراکی امکان دسترسی به دارایی‌های خود را برای دیگران فراهم می‌کند. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد ترکیبی اکتشافی طی دو مرحله اجرا شده است. در مرحله نخست جهت شناسایی پیشایندهای اعتماد در اقتصاد اشتراکی، از تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. بدین منظور پس از جستجو در پایگاه‌های داده گوناگون تعداد ۶۰ مقاله از سال ۲۰۱۴ به بعد انتخاب گردید. پس از انجام تحلیل محتوای کیفی، شاخص‌هایی تحت عنوان پیشایندهای اعتماد در اقتصاد اشتراکی شناسایی گردید و در نهایت شاخص‌های شناسایی شده مقوله بندی شدند. سپس در مرحله دوم، جهت الویت بندی مقوله‌ها از روش بهترین بدترین، به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چند معیاره، استفاده گردید. از همین رو پرسشنامه بهترین بدترین تهیه و سپس برای ۱۰ نفر از خبرگان حوزه اقتصاد اشتراکی ارسال گردید و در نهایت به کمک نرم افزار EXCEL داده‌های حاصل از پرسشنامه بهترین بدترین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از بررسی‌های صورت گرفته تعداد ۲۶ شاخص به عنوان پیشایندهای اعتماد در اقتصاد اشتراکی شناسایی گردید. در گام بعد، تعداد ۲۶ پیشایندها به ۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. مقوله‌های شناسایی شده شامل ارزش‌های پیشنهادی پلتفرم (ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی)، تجربه برند (تجربه کاربر، شخصی سازی خدمات)، ادراکات اخلاقی مصرف کنندگان (امنیت پلتفرم، حفاظت از کاربران، شفافیت)، کیفیت ادراک شده (کیفیت خدمات)، برندسازی پلتفرم (شخصیت برند، قدرت برند) و قابلیت‌های پلتفرم (قابلیت‌های فنی، قابلیت اطمینان) می‌شوند.

[۱۷] در پژوهش خود بیان کرد که این مطالعه با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل حیاتی موفقیت در پروژه‌های انتقال فناوری انجام شده است. برای دستیابی به این هدف محقق پس از مطالعه عمیق مبانی نظری موجود و دریافت نظرات صاحب‌نظران و خبرگان حاضر در شرکت مپنا با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP به طبقه بندی و الویت‌بندی این عوامل پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سه دسته عوامل فردی، سازمانی و برون سازمانی بر موفقیت انتقال تکنولوژی در شرکت مپنا اثرگذار هستند. در مدل سلسله مراتبی پژوهش عوامل سازمانی با زیر معیارهایی همچون بودجه تحقیقاتی مناسب، مشارکت شرکت‌های دانش بنیان و بزرگ داخلی، ارایه خدمات فنی و پشتیبانی مناسب (خدمات پس از فروش، تامین قطعات یدکی، ارتقا و تعمیرات)، همکاری با جامعه دانشگاهی و مراکز علمی پژوهشی، وجود زیرساخت‌های سازمانی مناسب همچون (ظرفیت‌های صنعتی، تجهیزات و آزمایشگاه‌های اندازه-گیری و داده‌برداری پیشرفته کنترل کیفی و تست) به عنوان رتبه اول و عوامل فردی با زیر معیارهای مدیران با تجربه و

حمایتگر، دانش و تخصص نیروی انسانی و رضایت وامنیت شغلی کارکنان، آموزش تخصصی کارمندان و بهره‌برداران در سایت به عنوان رتبه دوم و عوامل برون سازمانی با زیر معیارهایی همچون سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی، قوانین مرتبط و حمایت‌های دولتی، وجود روابط بین‌المللی با ثبات و امن، سرمایه‌گذاری مشترک خارجی رتبه سوم در رتبه بندی عوامل موثر بر موفقیت انتقال تکنولوژی در شرکت مپنا شناسایی و رتبه‌بندی شدند.

[۱۸] در پژوهش خود بیان کردند که پلتفرم‌های اقتصاد اشتراکی، مدل‌های کسب‌وکار جدیدی ایجاد کرده‌اند که باعث تغییراتی در نحوه احساس و بیان تجربیات مشتریان به وجود آورده‌اش. شرکت‌هایی که در بستر اقتصاد اشتراکی فعالیت می‌کنند از جنس استارت‌آپ‌ها (کسب‌وکارهای نوپا) می‌باشند و بازیگران اصلی در اقتصاد اشتراکی، مصرف‌کنندگانی هستند که به‌طور مداوم با شرکت‌ها و سایر مصرف‌کنندگان خلق ارزش می‌کنند. هم‌آفرینی ارزش فرآیند همکاری بین مشتری و تامین‌کننده در فعالیتهای ایده-پردازي مشترک، طراحی مشترک و توسعه مشترک محصولات جدید می‌باشد. از این‌رو، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی پیشایندهای هم‌آفرینی ارزش در استارت‌آپ‌ها در بستر اقتصاد اشتراکی است. در این پژوهش به تحلیل کیفی مصاحبه ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه استارت‌آپ‌های اقتصاد اشتراکی در ایران پرداخته شد. این افراد به صورت هدفمند انتخاب شدند و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته داده‌ها گردآوری شدند. پس از تحلیل داده‌ها تعداد ۱۳۱ مضمون پایه استخراج شدند و از میان این مضامین ۳۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۸ مضمون فراگیر به دست آمدند. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که پیشایندهای هم‌آفرینی ارزش در استارت‌آپ‌های اقتصاد اشتراکی شامل ۸ مضمون فراگیر شامل «ادراکات اخلاقی مصرف‌کنندگان»، «قدرت برند»، «بازاریابی رابطه‌مند»، «ارزش مورد انتظار»، «تجربه مشتری»، «پایداری»، «کمک به رشد و توسعه کسب‌وکارها» و «زیرساخت‌ها» می‌باشند.

۳- روش‌شناسی تحقیق

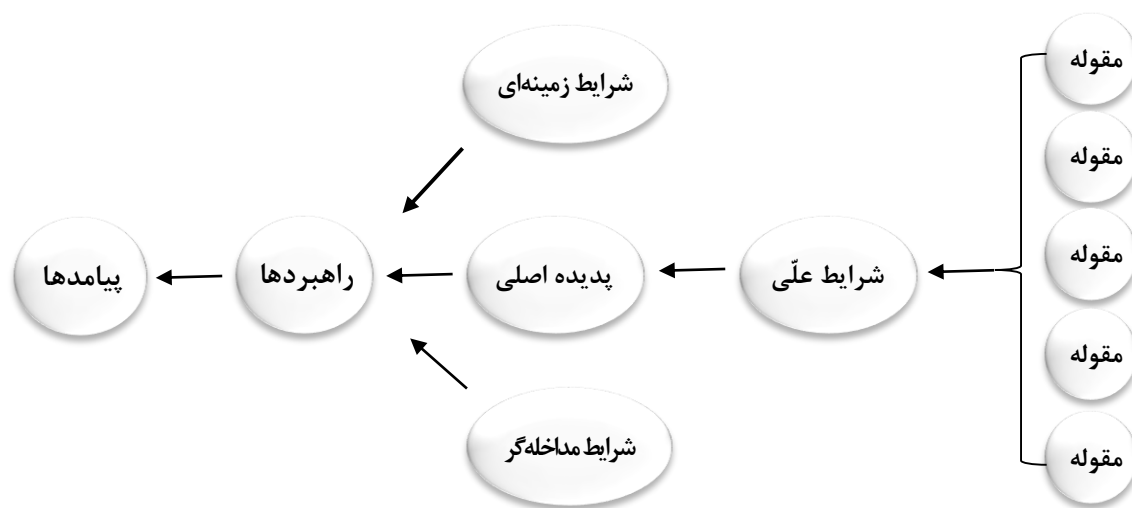
از آنجاکه پژوهش حاضر بر شکل‌دهی چارچوب نظری جدید «تدوین تئوری» تأکید و نیاز به آشکارسازی دانش ضمنی خبرگان در این حوزه دارد از استراتژی داده بنیاد بهره می‌برد. پاسخ به سؤال‌های این تحقیق نیازمند نوعی روش شناسی است که بتوان نظرات مدیران و خبرگان سازمان مزبور را که به‌طور معمول داده‌هایی کیفی اند. بررسی و تحلیل کند بنابراین از میان رویکردهای نظریه داده بنیاد، رویکرد پارادایمی به دلیل ساختارمندی بیشتر انتخاب گردیده است. نظریه پردازی داده بنیاد، یک روش پژوهشی برای علوم اجتماعی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، گلیسر و اشتراوس [۲۰، ۱۹] تدوین شده است که در آن محقق به جای پیش فرض گرفتن یک نظریه، کار را در عرصه واقعیت

آغاز می‌کند و نظریه از داده‌هایی که در جریان پژوهش گردآوری و تحلیل می‌شوند، پدیدار می‌شود. درواقع تئوری داده بنیاد روشی است برای دستیابی به شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آنها تحقیق جامعی نشده است و دانش ما در آن زمینه محدود است.

در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از روش میدانی و ابزار مصاحبه استفاده شده است. افراد مورد مصاحبه، ۲۱ نفر از مدیران و خبرگان حوزه های انتقال تکنولوژی و اقتصاد اشتراکی می باشند. نمونه گیری در این روش، نمونه گیری نظری است که به صورت هدفمند بوده است و مصاحبه شوندگان بر اساس اهداف پژوهش انتخاب می‌شوند. روش نمونه گیری نظری غیر تصادفی است و نمونه گیری و مصاحبه تا زمانی ادامه پیدا می کند که فرآیند تجزیه و تحلیل و اکتشاف به اشباع نظری برسد. اشباع بدین معنی است که هیچ داده تازه و مهمی به دست نیاید و به نوعی کفایت داده‌های برای تولید نظریه دستیابی دست یابیم. مصاحبه‌های انجام شده به صورت نیمه ساختارمند بوده یعنی؛ بنا بر مقتضیات شخصیتی، رفتاری و زمان مصاحبه ها که در این پژوهش بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه است. ترتیب سؤالات می تواند تغییر کند و حتی سؤالات بازتری از سوی مصاحبه گر مطرح شود. همچنین مطالعات کتابخانه‌ای به منظور بررسی مستندات انجام پذیرفت. کفایت تعداد نمونه‌های مورد مطالعه از طریق روش اشباع (کفایت) نظری حاصل شد.

نظریه داده بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی است که در پی تدوین تئوری است و ریشه در داده‌هایی مفهومی دارد که به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. این استراتژی با استفاده از رویکرد استقرائی سعی در مفهوم‌سازی داده‌ها به گونه‌ای که مدل بطور مستقیم از داده‌ها ظاهر شود، دارد. رویکرد استقرائی برخلاف رویکرد قیاسی، غالب در پژوهش است که با بررسی ادبیات موضوع چارچوب مفهومی یا تئوری تدوین می‌گردد و سپس داده‌ها با استفاده از ابزارهای پژوهش جمع‌آوری می‌شوند تا در پی تحلیل آنها، چارچوب مفهومی مورد آزمون قرار گیرد.

از آنجا که پایه‌های اصلی ساختن نظریه مفاهیم هستند، لازم است در نظریه داده بنیاد ساز و کاری تعبیه شود تا مفاهیم شناسایی و بر حسب خصوصیات و ابعادشان بسط داده شوند. این ساز و کار در کدگذاری باز انجام می‌شود. به طوری که پژوهشگر از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی را در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها، برای کسب شباهتها و تفاوت‌ها استخراج می‌کند. در مرحله بعد (کدگذاری محوری) پژوهشگر یکی از مقوله‌ها را محور فرآیند در حال بررسی و اکتشاف قرار می‌دهد (پدیده اصلی) و سپس مقوله‌های دیگر را به آن ارتباط می‌دهد. این مقوله‌ها عبارتند از شرایط علی (علل موجد پدیده اصلی)، راهبردها (کنش‌ها یا کنش‌های متقابل که برای کنترل، اداره، برخورد و پاسخ به پدیده اصلی انجام می‌شوند)، بستر یا زمینه (شرایط بستر ساز خاص مؤثر در راهبردها)، شرایط مداخله‌گر (شرایط بستر ساز عام مؤثر در راهبردها) و پیامدها (ره‌آورد به کار بستن راهبردها). نحوه کدگذاری محوری در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱: کدگذاری‌های باز و محوری در نظریه داده بنیاد [۱۹، ۲۰]

در این پژوهش به منظور اجرای استراتژی داده بنیاد، از رهیافت نظام مند و با سه فن کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است [۲۱]. همچنین معیار مقبولیت که در ارزشیابی پژوهش‌های مبتنی بر داده بنیاد بجای معیارهای روایی و پایایی عنوان شده است استفاده گردید. مقبولیت به معنای این است که یافته‌های پژوهش تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت کنندگان، پژوهشگر و مخاطب در مورد پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است. ده شاخص معیار مقبولیت معرفی شده است که ۵ مورد آنها در این پژوهش برای ارتقای دقت علمی، روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. استراتژی‌های ممیزی مورد استفاده عبارتند از: حساسیت پژوهشگر، انسجام روششناسی، متناسب بودن نمونه، تکرارشدن یک یافته و استفاده از بازخورد مطلعین [۲۲]

۴- یافته‌های تحقیق

به منظور پاسخ به سوال پژوهش "پارادایم مفهومی مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی چگونه است؟"، کدگذاری‌های باز و محوری هر یک از بخش‌های مدل زمینه ای به شرح زیر آورده شده است. شرایط علی مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی: شرایط علی مقولاتی هستند که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند براساس مصاحبه‌های انجام شده کدهای محوری "امکان پذیری، اثر اشتراک، دایره‌ی

نیازها، دایره اثر گذاری و تطابق " شناسایی شده و آن را به کد انتخابی وسیع تر دیگری به نام شرایط علی ارتباط داده شده است. مشارکت کنندگان در پژوهش اظهار داشتند شرایطی همچون امکان پذیری، اثر اشتراک، دایره ی نیازها، دایره اثر گذاری و تطابق در انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی دخالت دارند که به شرح جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: کدگذاری محوری داده های کیفی (شرایط علی)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
شرایط علی	امکان پذیری	ابزار موجود حوزه محصول یا خدمت صنعت مورد نظر انتقال تکنولوژی گیرنده تکنولوژی فرستنده تکنولوژی ماهیت تکنولوژی مدل های موجود
	اثر اشتراک	ماهیت اشتراک در صنعت میزان باز یا بسته بودن فرایند محصول اشتراک دارایی ریشه های پیدایش اقتصاد اشتراکی دوره مالکیت دارایی دوره اشتراک دارایی انگیزه مشارکت کنندگان انگیزه های اقتصادی انگیزه زیست محیطی انگیزه های مشارکت استفاده مجدد کالاها استفاده از دارایی های بادوام استفاده کمتر از منابع انتقال ارزش حداکثر سازی سود کاهش استفاده از منابع طبیعی کمیاب کاهش حمل و نقل مصرف پایدار رضایت بیشتر دسترسی آسانتر تعاملات مطمئن
	دایره نیازها	مدل های موجود اثرات مدل های موجود نیاز به تعریف یک مدل انحصاری

ویژگی‌های محصول ویژگی‌های خدمات زنجیره ارزش وجود اکوسیستم دایره ای از نیازها مجموعه ای از همیاران منبع باز		
همه فرایند میزان فرایند مجموعه های درگیر در تعریف محصول یا خدمت نهایی انتقال گیرنده انتقال دهنده روش انتقال	دایره اثرگذاری	
مرحله رشد محصول مرحله رشد تکنولوژی امکان پذیری انتقال میزان دسترسی میزان انطباق محدوده قابل تعریف محصول میزان به کارگیری اکوسیستم مرزهای جغرافیایی مرزهای شرکی مرزهای صنعت مرزهای کشرها مرزهای بازار	تطابق	

راهبردها مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی: راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و بازخورد پدیده مورد بررسی هستند. راهبردها هدفمند بوده و به دلیلی صورت می‌گیرند. در راهبردها در ۴ دسته مفهومی، تحلیل ارتباطی، کارکردی، زیرساختی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است که در آن می‌توان به حوزه های زیرساختی، قراردادهای هوشمند، مدل های تجاری اقتصاد اشتراکی و پیامدهای آن و ... اشاره کرد، که در جدول (۲) به آن اشاره شده است.

جدول ۲: کدگذاری محوری داده‌های کیفی (راهِبردها)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
راهِبردها	تحلیل ارتباطی	مدل‌های موجود مدل‌های ممکن تناسب مدل با تکنولوژی تناسب مدل با توسعه دهنده تناسب مدل با گیرنده تکنولوژی تناسب مدل با فرستنده تکنولوژی
	کارکردی	برون‌سپاری منبع باز مرزهای کسب و کار مرزهای گینده و دهنده تکنولوژی نیاز تکنولوژی ظرفیت تکنولوژی دسترسی موقت استراتژی‌های رشد اقتصادی دسترسی به انبوه کاربران خلق ارزش مشترک حقوق انتقال تکنولوژی
	زیرساختی	تحلیل تکنولوژی ارتباط دوسویه تکنولوژی با بازار حوزه اثرگذاری تکنولوژی بازار هدف تکنولوژی مدل‌های همکاری مدل‌های تجاری اقتصاد اشتراکی و پیامدهای آن اشتراک نظیر به نظیر قرارداد هوشمند اشتراک گذاری فناوری زیرساخت رمزنگاری ایمن
	اجتماعی	فرهنگ عمومی تعاریف هم‌گشایی سرمایه اجتماعی توان اعتماد قدرت برند

عوامل مداخله‌گر مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی: شرایط ساختاری به پدیده‌های تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت میبخشند یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ها مطرح می‌کنند که زیرساخت‌های نرم افزاری، بسترهای انسانی، نیازهای بازیگران انتقال تکنولوژی و زیرساخت‌های کیفی از جمله شرایط مداخله‌گر مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی سازمان می‌باشند که در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳: کدگذاری محوری داده‌های کیفی (عوامل مداخله‌گر)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل مداخله‌گر	زیرساخت‌های نرم افزاری	زیرساخت‌های نرم افزاری اقتصاد اشتراکی مدل‌های نوین انتقال تکنولوژی تکنولوژی‌های آینده زیرساخت‌های نرم افزاری انتقال دهنده زیرساخت‌های نرم افزاری انتقال گیرنده تکنولوژی‌های قابل انتقال بستر آنلاین پلتفرم‌های اشتراکی ساختار بلاکچین سیستم‌های ابری ابزار هوشمند سیستم عامل‌های اقتصاد اشتراکی
	بسترهای انسانی	سطح دانش انتقال دهنده سطح دانش انتقال گیرنده سطح دانش مصرف‌کننده سهم دانش تسهیم‌کننده شبکه‌های اجتماعی اعتماد اجتماعی اشتراک‌گرایی اشتراک اجتماعی اشتراک‌گذاری و اعتماد باور مشترک اعتماد بین‌گروهی‌ها
		انتقال تکنولوژی تعریف بازیگران جدید انتقال تکنولوژی

نیازهای بازیگران انتقال تکنولوژی	حقوق طرفین انتقال تکنولوژی سطح بازار در اقتصاد اشتراکی تعریف رقابت در اقتصاد اشتراکی تعریف کاربر در اقتصاد اشتراکی و مدل انتقال تکنولوژی برای او منابع منبع باز ساختار گسسته پایداری نوآوری تحول آفرین کارآفرینی حذف واسطه وفاداری توانمند سازی بهبود کارایی نیاز مشتری فعال کننده خدمات اعتبار سنجی زنجیره تامین بازیابی خدمات
زیرساخت‌های کیفی	کیفیت تکنولوژی کیفیت رقبا کیفیت ایجاد کننده یا ایجادکنندگان تکنولوژی سطح انتقال دهنده یا انتقال دهندگان سطح دانش سطح دانشهای مکمل کیفیت خدمات بازار دو سویه ظرفیت بلا استفاده کمترین میزان بسندگی دانش کاربران دسترسی استفاده آسان

شرایط زمینه‌ای مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی: بستر یا زمینه مجموعه مشخصه‌های ویژه‌ای است که به پدیده مورد نظر دلالت می‌کند، یعنی محل حوادث و وقایع متعلق به پدیده. بستر نشانگر مجموعه شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش و واکنش صورت می‌پذیرد. مجموعه عناصر زمینه‌ای در مدل بهینه انتقال

تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی شامل "نیازهای اقتصادی، ویژگی‌های تکنولوژی‌ها، زیرساخت‌های ساختار" است، که به شرح جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴: کدگذاری محوری داده‌های کیفی (شرایط زمینه‌ای)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
شرایط زمینه‌ای	نیازهای اقتصادی	فرهنگ مشارکتی زیرساخت‌های استفاده اشتراکی رشد جمعیت کمبود منابع گسترش نقش مصرف کننده بازار مجازی هم آفرینی ارزش خودکارآمدی اصالت ادراک شده
	ویژگی‌های تکنولوژیها	وضعیت تکنولوژی مکمل‌های تکنولوژی دانشهای همگرا تکنولوژی‌های جریان‌ساز تکنولوژیهای انقلابی هوش مصنوعی شبکه‌های اجتماعی بلاکچین فیتتک نانو تکنولوژی بایو تکنولوژی
	زیرساخت‌های ساختاری	تکنولوژی‌های زیرساختی میانجیگری پلتفرم فناوریهای نوین اقتصاد گیگ اقتصاد هم‌تا کارآفرینی برونسپاری منبع باز

پیامدهای مدل بهینه انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی: نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. پیامدها را همواره نمی‌توان پیشبینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. همچنین این امکان وجود دارد که آنچه که در بره‌های از زمان پیامد به شمار می‌رود در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شوند. براساس مصاحبه‌های انجام شده پیامدها شامل زیرساخت‌های مشارکتی مدل‌های انتقال تکنولوژی، شبکه و انتقال تکنولوژی، سبک‌های کسب و کار و زندگی در انتقال تکنولوژی و زیست محیطی در جدول (۵) نمایش داده شده است.

جدول ۵: کدگذاری محوری داده‌های کیفی (پیامدها)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
پیامدها	زیرساخت‌های مشارکتی مدل‌های انتقال تکنولوژی	شناخت مدل‌های نوین کسب و کار بر اساس تکنولوژی ساختارهای مشارکتی سازمانی تعاریف بازیگران تکنولوژی براساس نقشهای جدید شناخت مرزهای گنگ یا آشکار سازمانی شناخت مرزهای تکنولوژی شناخت مرزهای جغرافیایی بر اساس رویکرد اشتراک اقتصاد برونسپاری چندکاربره شدن محصولات و خدمات همسان‌پنداری کارمند، کاربر، کارآفرین، پلتفرم زیرساخت‌هایی چون بلاکچین و تعاریف تازه از اعتماد و همکاری تعاریف جدید سازمان و تمرکز زدایی به عنوان یک اصل نقشه‌ای همزمان کاربر، گیرنده تکنولوژی با فرستنده تکنولوژی بلاکچین به عنوان یک پیش‌رانه قراردادهای هوشمند و اثرات بر قراردادهای انتقال تکنولوژی دسترسی به جای کالا سرویس به جای محصول بهبود کارایی موجودی جمع‌سپاری شده یک سیستم اقتصادی از شبکه‌ها و بازارهای غیرمتمرکز فرصت صرفه‌جویی سود اقتصادی
	شبکه و انتقال تکنولوژی	بهره‌وری بیشتر فضای کار اشتراکی هزینه کمتر کالاهای اشتراکی خدمات اشتراکی

عدالت کسب و کار استارات آپهای اشتراکی تامین مالی جمعی دفتر توزیع شده ساختار نامتمرکز پلتفرم‌های اشتراکی قراردادهای هوشمند کسب و کارهای اشتراکی کاهش مشکلات اجتماعی کمک به محرومان تقویت همبستگی جامعه و پیوند اجتماعی تعامل با افراد انسجام جامعه ادراکات اخلاقی مصرف کنندگان تعامل مصرف کننده و مشتری عدالت اجتماعی		
همیاری به جای رقابت همکار به جای کاربر همزمانی انتقال دهنده و انتقال گیرنده در یک محصول یا خدمت تبدیل محصول یا خدمات قابل انتقال به جای یک محصول تعریف ارزش افزوده تمرکز زدایی قراردادهای هوشمند همزمانی کاربر، انتقال دهنده، انتقال گیرنده، تکنولوژی، محصول، خدمات باز بودن تغییرات و انتقال تکنولوژی تبدیل انتقال تکنولوژی از یک خط مستقیم به یک حلقه	سبک‌های کسب و کار و زندگی در انتقال تکنولوژی	
پایداری محیط زیست تقسیم و توزیع ارزش مورد انتظار پایداری بازیابی خدمات تخریب کمتر وقت آزاد اعتماد متقابل	زیست محیطی	

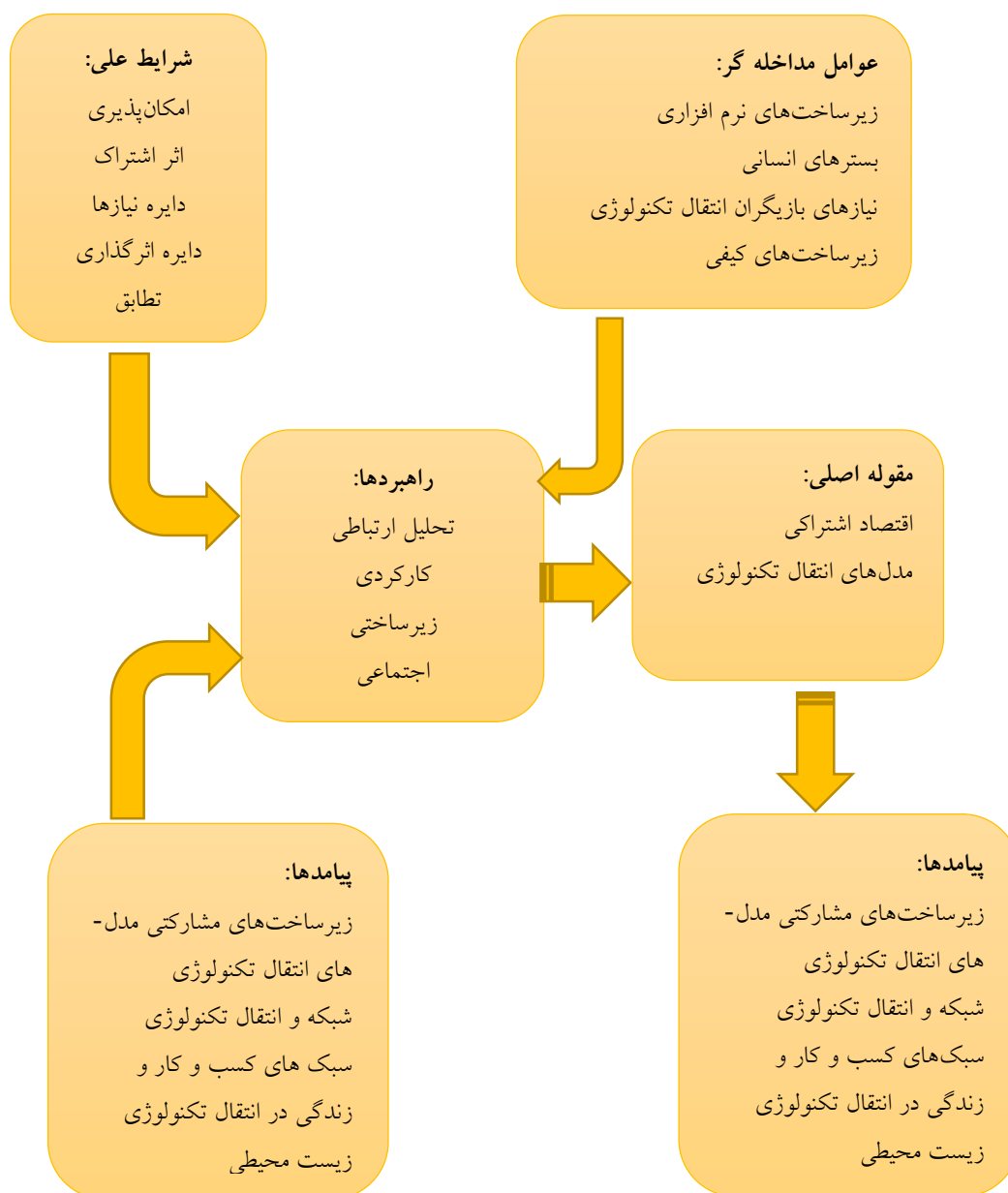
در مقوله اصلی همچنین پس از بررسی کلیه مصاحبه‌ها و مقالات و مفاهیم مبه دست آمده دو حوزه اثرگذار و اثرپذیر را مورد بررسی قرار داده شده است که این موارد شامل مقوله اصلی اقتصاد اشتراکی است که شامل پلتفرم‌های

اقتصاد اشتراکی، محصولات و خدمات اشتراکی، جمع‌کاری، منبع باز، تولید مشارکتی، مصرف مشارکتی، اشتراک‌گذاری دارایی‌ها، ارزش‌های مشترک، مرز شرکت‌ها، اعتماد، حریم خصوصی، امنیت، شفافیت، تمرکز زدایی و .. نمود که ما حاصل آن ترکیب یک مدل بهینه بر اساس ویژگی‌های تکنولوژی، روش‌ها، مدل‌ها و فرایندهای انتقال تکنولوژی خواهد بود، که به شرح جدول (۶) آورده شده است.

جدول ۶: کدگذاری محوری داده‌های کیفی (مقوله اصلی)

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
مقوله اصلی	اقتصاد اشتراکی	پلتفرم‌های اقتصاد اشتراکی محصولات و خدمات اشتراکی جمع‌کاری منبع باز تولید مشارکتی مصرف مشارکتی اشتراک‌گذاری دارایی‌ها ارزش‌های مشترک مرز شرکتها اعتماد حریم خصوصی امنیت شفافیت تمرکز زدایی
	مدل‌های انتقال تکنولوژی	فرایند انتقال روش‌های انتقال تکنولوژی مدل‌های انتقال تکنولوژی انتقال تکنولوژی تعریف تکنولوژی اثر بخشی مدل

از میان عوامل شناسایی شده، پارادایم کدگذاری انتخابی انجام شد و براساس آن ارتباط خطی میان کد ثانویه و کد محوری پژوهش شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مشخص شد. شکل (۲) پارادایم کدگذاری و به عبارت دیگر مدل فرآیند کیفی تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۲: مدل پارادایمی انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی

۵- بحث و نتیجه گیری

انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی به معنای به اشتراک گذاری منابع، دانش و فناوری‌ها در قالب مدل‌های کسب و کار مشترک است. این رویکرد به طور ویژه در دنیای دیجیتال و با ظهور پلتفرم‌های آنلاین مورد توجه قرار گرفته و مزایای قابل توجهی را به همراه دارد. براین اساس با استفاده از پژوهش داده بنیاد عوامل شناسایی شده شامل شرایط علی (به امکان پذیری، اثر اشتراک، دایره نیازها، دایره اثرگذاری، تطابق)، شرایط زمینه‌ای (نیازهای اقتصادی، ویژگی‌های تکنولوژی‌ها و زیرساخت‌های ساختاری)، شرایط مداخله‌گر (زیرساخت‌های نرم افزاری، بسترهای انسانی، نیازهای بازیگران انتقال تکنولوژی، زیرساخت‌های کیفی)، راهبردها (تحلیل ارتباطی، کارکردی، زیرساختی، اجتماعی) و پیامدها (زیرساختهای مشارکتی مدلهای انتقال تکنولوژی، شبکه و انتقال تکنولوژی، سبک‌های کسب و کار و زندگی در انتقال تکنولوژی، زیست محیطی) با پدیده اصلی انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی (اقتصاد اشتراکی، مدل‌های انتقال تکنولوژی) مشخص شده است. انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی به عنوان یک شیوه نوآورانه در توسعه کسب و کار، تأثیرات قابل توجهی بر روی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی دارد. این رویکرد به اشتراک گذاری منابع و دانش، به ویژه در دنیای دیجیتال، به بهینه سازی فرآیندهای تولید و ارائه خدمات کمک می‌کند. عوامل شناسایی شده در این تحقیق نشان می‌دهند که شرایط علی و زمینه‌ای به وضوح بر موفقیت انتقال تکنولوژی تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال، وجود زیرساخت‌های نرم افزاری و انسانی به عنوان شرایط مداخله‌گر، نقش مهمی در تسهیل این فرآیند ایفا می‌کند. همچنین، استراتژی‌های مختلف مانند تحلیل ارتباطی و اجتماعی می‌توانند به بهبود کارایی و ارتقاء کیفیت انتقال تکنولوژی کمک کنند. رشد اقتصاد اشتراکی در سال‌های اخیر، باعث تغییرات عمیق در ساختارهای سازمانی و نیاز به نیروی انسانی با مهارت‌های جدید شده است. این تغییرات، چالش‌های جدیدی را برای مدیریت منابع انسانی به وجود آورده و نیازمند رویکردهای جدید و تطبیق پذیرتر است. به همین دلیل، شناسایی مسائل و مشکلات پیش‌رو و پاسخ به آن‌ها برای هدایت مؤثر نیروی انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در نهایت، آشنایی با ساختارها و مدل‌های نوین انتقال تکنولوژی در قالب اقتصاد اشتراکی، به ذینفعان و نیروی انسانی کمک می‌کند تا در دنیای کسب و کار به روز و متناسب با نیازهای جدید عمل کنند. این موضوع به بهبود بهره‌وری و ایجاد روابط جدید بین کارگران و کارفرمایان منجر خواهد شد، که در نهایت به توسعه پایدار و موفقیت‌های بیشتر در بازارهای رقابتی کمک می‌کند.

۶- پیشنهادهای تحقیق

۶-۱- پیشنهادهای سیاسی

- ایجاد پلتفرم‌های اشتراکی: توسعه پلتفرم‌های آنلاین که به کاربران این امکان را می‌دهد تا فناوری‌ها و منابع خود را به اشتراک بگذارند، مورد توجه قرار گیرد. این پلتفرم‌ها می‌توانند شامل ابزارهای نرم‌افزاری، دستگاه‌ها و حتی دانش تخصصی باشند.
- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی در زمینه استفاده از فناوری‌های جدید و شیوه‌های به اشتراک‌گذاری آن‌ها می‌تواند به انتقال دانش کمک کند.
- تشویق همکاری‌های بین‌المللی: ایجاد شبکه‌های همکاری بین کشورهای مختلف برای به اشتراک‌گذاری تکنولوژی و دانش، به‌ویژه در زمینه‌های نوآورانه و پایدار.
- محیط‌های آزمایشی: تأسیس مراکز نوآوری و آزمایشگاه‌های مشترک که امکان آزمایش و توسعه فناوری‌های جدید را فراهم می‌کنند.
- پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها: ارائه حمایت‌های مالی و مشاوره‌ای به استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای نوپا که به دنبال به کارگیری رویکردهای اقتصاد اشتراکی در انتقال تکنولوژی هستند.
- توسعه سیاست‌های حمایتی: تدوین و اجرای سیاست‌های دولتی که فعالیت‌های اقتصادی اشتراکی را تسهیل کند و موانع قانونی را کاهش دهد.

۶-۲- پیشنهادهای آتی

- اولویت‌بندی شاخص‌های انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره،
- استفاده از مدل‌سازی برنامه‌ریزی ریاضی برای تحلیل عملکرد شاخص‌های انتقال تکنولوژی با رویکرد اقتصاد اشتراکی
- توسعه چارچوب پیشنهادی برای سایر ساختار اقتصاد اشتراکی

منابع

- [1] M. Hossain, "Sharing economy: A comprehensive literature review," *International Journal of Hospitality Management*, vol. 87, p. 102470, 2020.
- [2] A. Akhmedova, A. Manresa, D. Escobar Rivera, and A. Bikfalvi, "Service quality in the sharing economy: A review and research agenda," *International Journal of Consumer Studies*, vol. 45, no. 4, pp. 889-910, 2021.
- [3] E. Bucher, C. Fieseler, and C. Lutz, "What's mine is yours (for a nominal fee)–Exploring the spectrum of utilitarian to altruistic motives for Internet-mediated sharing," *Computers in Human Behavior*, vol. 62, pp. 316-326, 2016.
- [4] J. J. Horton and R. J. Zeckhauser, "Owning, using and renting: some simple economics of the 'sharing economy'," *National Bureau of Economic Research*, no. w22029, 2016.
- [5] E. M. Ampaw, G. A. Siaw, S. Appiah, A. Adu-Sackey, S. Baffoe, J. Azaare, and G. Amuzu, "Value Co-Creation Inside the Ridesharing Economy: Evidence from the Chinese Sharing Economy Experiences cape with Set-theoretic and SEM Applications," *Mathematical Theory and Modeling*, vol. 11, no. 5, pp. 69-91, 2021.
- [6] A. Akhmedova, M. Mas-Machuca, and F. Marimon, "Value co-creation in the sharing economy: The role of quality of service provided by peer," *Journal of Cleaner Production*, vol. 266, p. 121736, 2020.
- [7] Casais, J. Fernandes, and M. Sarmento, "Tourism innovation through relationship marketing and value co-creation: A study on peer-to-peer online platforms for sharing accommodation," *Journal of Hospitality and Tourism Management*, vol. 42, pp. 51-57, 2020.
- [8] G. M. Eckhardt and F. Bardhi, "The relationship between access practices and economic systems," *Journal of the Association for Consumer Research*, vol. 1, no. 2, pp. 210-225, 2016.
- [9] J. A. Lee, "Forced technology transfer in the case of China," *BUJ Sci. & Tech. L.*, vol. 26, pp. 324, 2020.
- [10] R. Amoussouhoui, A. Arouna, M. Bavorova, H. Tsangari, and J. Banout, "An extended Canvas business model: A tool for sustainable technology transfer and adoption," *Technology in Society*, vol. 68, p. 101901, 2022.
- [11] V. Reuschl, M. Tiberius, M. Filser, and Y. Qiu, "Value Configurations in Sharing Economy Business Models," *Review of Managerial Science*, vol. 16, no. 1, pp. 89-112, 2022.
- [12] G. U. Ebirim, I. F. Unigwe, N. L. Ndubuisi, C. V. Ibeh, O. F. Asuzu, and O. A. Adelekan, "Entrepreneurship in the sharing economy: A review of business models and social

- impacts," *International Journal of Science and Research Archive*, vol. 11, no. 1, pp. 986-995, 2024.
- [13] Y. Ren, K. J. Wu, M. K. Lim, and M. L. Tseng, "Technology transfer adoption to achieve a circular economy model under resource-based view: A high-tech firm," **International Journal of Production Economics*, vol. 264, p. 108983, 2023.
- [14] S. Sanasi, A. Ghezzi, A. Cavallo, and A. Rangone, "Making sense of the sharing economy: a business model innovation perspective," *Technology Analysis & Strategic Management*, vol. 32, no. 8, pp. 895-909, 2020.
- [15] M. Pomffyová, M. Rostašová, and V. Krajčík, "The Role of Spin-Off Companies in the Technology Transfer and IS Management Potential in Developing a Sharing Economy," in *Industry 4.0-Impact on Intelligent Logistics and Manufacturing*, IntechOpen, 2018.
- [16] N. Khanjanzadeh Kakeroodi, A. Adabi Firoozjaei, S. Nejat, and H. Fallah Lajimi, "Antecedents of Trust in Sharing Economy Platforms: Prioritization With the Best-Worst Method (BWM)," *Journal of Business Management*, 2024. (In Persian)
- [17] F. Shanaei, "Identification and Ranking of Factors Affecting the Success of Technology Transfer," in *International Conference and the Fourth National Conference on New Findings in Management, Psychology, and Accounting*, Tehran, 2023. (In Persian)
- [18] A. Kordnaeij, A. Moshabaki, and F. Asghari Goudarzi, "Identifying the Antecedents of Value Co-Creation in Startups in A Shared Economy Environment: A Qualitative Content Analysis Approach," *Journal of Business Management Perspective*, vol. 21, no. 49, pp. 37-70, 2022. (In Persian)
- [19] A. Strauss and J. Corbin, "Grounded Theory Methodology," in *Handbook of Qualitative Research*, 1998, pp. 273-285.
- [20] A. Strauss and J. Corbin, *Basics of Qualitative Research Techniques*, 1998.
- [21] J. Lee, "A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use," unpublished doctoral dissertation, University of Nebraska, in Proquest UMI Database.
- [22] L. Strauss and J. Corbin, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage, 1990.
- [23] Y. Mohebzadegan, M. H. Pardakhtchi, M. Ghahramani, and M. Farasatkah, "Developing a Model for Faculty Development Approach based on Grounded Theory," *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, vol. 19, no. 4, pp. 1-25, 2023. (In Persian)